

مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و یکم، شماره پیاپی ۸۳/۳،
پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۷۴-۵۹

مکان آفرینش آدم ابوالبشر در متون اسلامی و یهودی*

دکتر سید عبد المجید حسینی زاده
استادیار دانشگاه پیام نور، واحد مهریز
Email: majidhoseinizadeh@yahoo.com

چکیده

داستان آفرینش نخستین انسان عنصر مهمی در فرهنگ و دین بیشتر ملت‌های جهان بوده است. این داستان در فرهنگ و طرز تفکر بشر معاصر نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. در این مقاله یک پژوهش تطبیقی درباره یکی از اجزای این داستان، یعنی مکانی که خاک آدم از آن برداشته و آدم در آن خلق شد میان متون اسلامی و متون یهودی انجام شده است. بدین منظور تعدادی از متون یهودی و اسلامی با هم مقایسه شده‌اند، تا مشخص شود این متون چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با هم دارند، کدام ایده‌ها منحصر به متون اسلامی یا منحصر به متون یهودی هستند و احیاناً کدام اندیشه‌ها از متون یا فولکلور یهود به روایات و ادبیات اسلامی منتقل شده است. همچنین ابهامات موجود در برخی از روایات رفع شود.

کلید واژه‌ها: آدم، آفرینش، مکان، متون اسلامی، متون یهودی.

*. تاریخ وصول: ۱۳۸۸/۰۹/۰۲؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۸۸/۱۲/۱۴.

در آمد

در این مقاله نویسنده در صدد است مکان آفرینش آدم را مطابق با متون اسلامی و یهودی تعیین و این دو دسته متون را با هم مقایسه کند. این که آیا داستان آفرینش آدم (و در نتیجه اجزای آن مانند مکان خلق او) یک واقعیت تاریخی است یا فقط داستانی سمبلیک است که هدف از آن پند آموزی است مد نظر نیست. نویسنده تنها می خواهد ظاهر الفاظ متون را مورد بررسی قرار دهد.

چنان که خواهد آمد، متون اصلی دو دین اسلام و یهودیت (که معتقدان به این دو دین آنها را به عنوان کتاب آسمانی تلقی می کنند) یعنی *قرآن کریم* و *تورات*^۱ در مورد مکان آفرینش آدم مجمل هستند، هرچند کوشش شده است با تفسیر این دو کتاب این مکان استنباط شود. بنابراین برای گسترش بحث لازم است به سایر متون در هر دو دین توجه شود. متون عمده یهودی مورد بررسی در این مقاله عبارتند از آثار سعدیا گائون^۲، فیلو^۳ و راشی^۴، همچنین تلمود^۵، *ژهر*^۶، *سالگشتها*^۷، برخی از ترگومها^۸، میدراشها^۹ (از

۱ - *تورات* به معنای خاص تنها شامل اسفار خمسه می شود و به معنای عام علاوه بر اسفار خمسه، کتابهای انبیا (نویسیم) و رساله ها (کتویم) را نیز در بر می گیرد که به مجموع آنها کتاب *مقدس عبری* می گویند. در سراسر این مقاله منظور از *تورات* همین معنای عام است.

۲ - سعدیا بن یوسف فیومی، فیلسوف یهودی قرن دهم میلادی (کوهن شرباک، ص ۷۷).

۳ - یا فیلون اسکندرانی، فیلسوف یهودی و مفسر عقلگرای *تورات* که در قرن اول میلادی در اسکندریه می زیست (آنترمن، ص ۹۳).

۴ - مفسر شهیر *تورات* در قرن یازدهم میلادی که بیش از یکصد شرح بر تفسیر او بر *تورات* نوشته شده است (کلاپرمن، ج ۳، ص ۱۰۲).

۵ - مجموعه مذاکرات دانشمندان یهودی درباره شریعت یهود که مواد آن طی قرن‌ها در بابل گردآوری شد و در حدود سال ۵۰۰ میلادی تدوین آن پایان یافت (کلاپرمن، ج ۲، صص ۲۴۳، ۲۴۲).

۶ - متنی در مورد قبایلا (عرفان یهود) که به ربی شیمعون بن یوحای قبایلایی بزرگ قرن دوم میلادی در فلسطین نسبت داده می شود (کوهن شرباک، ص ۵۳؛ آنترمن، ص ۱۵۷).

۷ - *Jubilees*.

۸ - به ترجمه های *تورات* به زبان آرامی، ترگوم می گویند.

۹ - واژه «میدراش» به معنای «جست و جو» یا «تحقیق» در کتاب *مقدس* است. اصطلاحاً به هر یک از کتابهای مشتمل بر تفاسیر حاخامی از کتاب *مقدس* (مذاکرات علمای یهود در مورد کتاب *مقدس*، بر اساس روشهای خاص تفسیری) میدراش گفته می شود (کوهن شرباک، ص ۳۵؛ آنترمن، ص ۹۰؛ اشتاین سالتز، صص ۳۲۱-۳۱۹).

جمله جنسیس *رباه*^۱ و *افسانه های یهود*^۲. متون اسلامی مورد استفاده نیز تعدادی از تفاسیر قرآن و کتابهای روایت و قصص الانبیاء در دو مذهب شیعه و سنی هستند. چون برای درک روایات اسلامی لازم است پیش زمینه این روایات در ادیان پیشین معلوم باشد، نخست متون یهودی بررسی می شوند و سپس به متون اسلامی پرداخته می شود.

متون یهودی

در تورات درباره مکان آفرینش آدم سخن صریحی نیامده است. تنها آمده: «خداوند خدا پس آدم را از خاک زمین بسرشت» (Gen. 2:7). لفظ عبری به کار رفته برای «خاک» در عبارت فوق از تورات، *אֶרֶץ* است. وجود حرف تعریف *א* در این کلمه، مفسران یهودی را بر آن داشته است که نتیجه بگیرند خاک آدم یک «خاک مخصوص» بوده است. از جمله فیلون اسکندرانی معتقد است خاک آدم از نقطه مخصوصی از زمین برداشته شده بوده که خاک آن بهترین خاک بوده (Philo, on the creation 47:137). برخی دیگر از نویسندگان یهودی این «نقطه مخصوص» را دقیقاً مشخص کرده اند، چنان که خواهد آمد.

همچنین Gen.2:19 و Gen.2:23 اشعار دارند که آدم در موقع مرگ به همان خاکی بر گشت که از آن خلق شده بود، و پس از اخراج از باغ عدن در همان جایی ساکن شد

۱- تفسیری بر کتاب جنسیس (پیدایش) از اسفار *خمسه تورات* که خود بخشی از مجموعه بزرگتری به نام *میدراش رباه* است و در حدود قرن ششم میلادی تدوین شده (کوهن شرباک، ص ۳۶).
 ۲- نوشته ربی لویس گینزبرگ در ۷ جلد که در آن محتوای صدها جلد از کتابهای قدیم یهود را به صورت یک داستان پیوسته خلاصه کرده و در ۳ جلد انتهایی یادداشتهای تحقیقی بسیار سودمندی به آن اضافه کرده است.
 ۳- به علت کثرت ارجاعات به *تورات*، در این مقاله از شیوه ارجاع لاتین استفاده شده که مختصرتر و برای پژوهشگران در سراسر جهان آشنا تر است. Gen. مخفف Genesis به معنای کتاب پیدایش و Exod. مخفف Exodus به معنای کتاب خروج در *تورات* است. بنابراین Gen. 2:7 به معنای *تورات*، کتاب پیدایش، باب ۲، آیه ۷ است. همچنین در مورد سایر متون کهن که ارجاع به آنها بر اساس شماره فصل و عبارت متداول است (نه شماره جلد و صفحه) از شیوه متداول استفاده شده است.

که از آن گرفته شده بود. بنابراین جای آفرینش آدم باید مکانی نزدیک به باغ عدن بوده باشد.^۱

بررسی سایر متون یهودی (غیر از تورات) نشان می دهد که در این متون در مورد مکان آفرینش آدم دو ایده اساسی وجود دارد: ۱- آدم در مکانی مقدس خلق شد. ۲- خاک آدم از چهار گوشه دنیا برداشته شد.

۱- خلق آدم در یک مکان مقدس

بیشتر نویسندگان یهودی معتقدند آدم در مکانی مقدس خلق شد. سعدیا می نویسد: «دلیل قطعی بر این موضوع وجود ندارد که آدم در کجای زمین و از چه خاکی خلق شد. برخی می گویند او در جایی مقدس و نیک خلق شد، یعنی معبد^۲. نظری برخلاف این نظریه ابراز نشده است» (Saadia, tr. Linetsky, pl28; ed. Zucker, p59). در عین حال سعدیا جای خلق آدم را مکانی غیر قابل سکونت می داند. او معتقد است آدم نخست در چنین جایی خلق شد و سپس به باغ عدن منتقل شد تا قدر مهربانی خدا را بداند (ibid.). با این که در زمان سعدیا عقیده ای برخلاف نظریه خلق آدم در مکانی مقدس وجود نداشته، ابن عزرا بعدها با این نظر مخالفت کرده است (ibn Ezra, p64). شیرا هلوی^۳ نیز نظریه خلق آدم در مکان پاک را از پیرقه ربی الیعرز^۴ نقل کرده است (Halevi, p91).

برخی در مورد این «مکان مقدس» گفته اند خداوند خاک آدم را از جایی برداشت که در مورد آن گفته شده: «مذبحی از خاک برای من برای من بساز»^۵ (Genesis Rabbah 14:8; Rashi, Gen.2:7). این جمله را خداوند به موسی (ع) می گوید، هنگامی که پس از

۱ - از تورات (به طور غیر مستقیم) و بسیاری از دیگر متون یهودی (صریحاً) بر می آید که باغ عدن در زمین بوده و آدم پس از اخراج از این باغ در نزدیکی و پیرامون آن ساکن شد. رک. Gen. 2:14, 3:23,24, 4:16.
 ۲ - Temple. در آثار یهود هر جا مطلقاً «معبد» ذکر شود منظور معبد سلیمان در اورشلیم است.

3- Shira Halevi.

۴ - نام یکی از میدراشهای قدیم.
 ۵ - آیه ای از تورات (Exod. 20:24).

خروج از مصر در صحرا بنی اسرائیل را رهبری می‌کرد. با توجه به این که موسی (ع) وارد سرزمین مقدس نشد، جای این مذبح نمی‌تواند با معبد سلیمان منطبق باشد. اما بیشتر نویسندگان یهودی این مکان مقدس را همان جای معبد سلیمان می‌دانند. در ژهر آمده است: «آدم در جایی خلق شد که بعداً معبد مقدس^۱ بنا شد» (Simeon ben Jochai, p167). نظر سعدیا نیز در این مورد ذکر شد. در ترگوم سودو جانانان (در ترجمه Gen.2:15) آمده: «پروردگار خدا آدم را از "کوه عبادت"، جایی که در آن خلق شده بود، برگرفته در باغ عدن نهاد» (Targum Pseudo-Jonathan, p23). منظور از «کوه عبادت» از سخن موشه الشیخ معلوم می‌شود. او می‌نویسد خاک آدم از کوه «موریا»^۲، مکان معبد آینده و جایی بر زمین که دروازه انسانها به حرم آسمانی^۳ است برداشته شد (Alshich, p29). گینزبرگ نیز می‌نویسد: «لطف و رحمت خدا به خصوص در آنجا خود را نشان داد که برای خلق آدم به اندازه یک قاشق خاک از نقطه‌ای که در آینده قرار بود قربانگاه^۴ در آن برپا شود برداشت، در حالی که می‌گفت: "من انسان را از محل کفاره دادن برمی‌دارم، شاید او طاقت بیاورد"^۵» (Ginzberg, v1, pp54,55).

همچنین مکان پاک، جای خلق آدم، در برخی از آثار به عنوان «ناف زمین» توصیف شده است (Maher, notes, in Targum Pseudo-Jonathan, p22) (به نقل از پیرقه ربی الیعزر). منظور از «ناف زمین» کوه صهیون^۶ است (Jubilees 8:19)، که نزدیک به معبد سلیمان است (هاکس، ص ۸۴۴). در برخی از آثار نیز جای خلق آدم به عنوان «مرکز زمین» توصیف شده است (رک. Ginzberg, v5, p137).

۲- خلق آدم از خاک چهار گوشه دنیا

عقیده دیگر آن است که خدا خاک آدم را از همه زمین، از چهار جهت دنیا

1 - Holy Temple.

۲- Moriah. در قاموس کتاب مقدس آمده: «موریا: ۱- زمینی که ابراهیم مأمور شد در آنجا اسحاق را قربانی کند. کوهی است که سلیمان معبد اورشلیم را بر آن بنا کرد ... در شمال شرقی صهیون» (هاکس، ص ۸۴۴).

3- celestial sanctuary.

۴- altar, که منظور از آن مذبح معبد اورشلیم است.

۵- یعنی با آمرزش گناهانش نجات یابد.

6 - Zion.

برداشت، تا هر جا انسان بمیرد زمین او را برای دفن قبول کند (Rashi, Gen.2:7). گینزبرگ می نویسد: «هنگامی که در نهایت فرشتگان به خلق آدم رضایت دادند، خدا به جبرئیل^۱ گفت: "برو و برای من از چهار گوشه جهان خاک بیاور، و من با آن انسان را خواهم ساخت"». سپس داستان برداشتن خاک آدم را ذکر می کند و مجدداً می نویسد: «خدا از روی تعمد خاک را از همه چهارگوشه جهان برداشت تا اگر اتفاق افتاد که انسانی از شرق در غرب بمیرد، یا انسانی از غرب در شرق بمیرد، زمین جرأت نکند که از پذیرفتن مُرده سرباز زند و به او بگوید به آنجا که از آن گرفته شده برود. در هر کجا که مرگ یک انسان اتفاق می افتد، و هر کجا که دفن می شود، به همان زمینی که از آن روئیده است^۲ باز می گردد»^۳ (Ginzberg, v1, pp54,55). در تلمود حتی مشخص شده که خاک هر قسمت از بدن آدم از کجای زمین برداشته شد: خاک تنه او از بابل، خاک سر او از سرزمین فلسطین، خاک آلت تناسلی او از آکرا^۴ و خاک دست و پای او از همه کشورهای دیگر (The Babylonian 38a, 38b; Yaakov ibn Chaviv, p617). آکرا^۵ در تلمود، sanhedrin, بند و باری ساکنانش بدنام بوده است (Ginzberg, v5, p72). چنان که می بینیم در اینجا میان خاکها تفاوت گذاشته شده: شریفترین اعضای بدن آدم از شریفترین سرزمینها، و پست ترین اعضای او از پست ترین سرزمینها ساخته شدند. نقش محوری بابل در افسانه فوق به خاطر آن است که در زمان تألیف تلمود، بابل دومین مرکز یهودیت در جهان بود (رک. اشتاین سالتز، ص ۷۴؛ کلاپرمن، ج ۲، ص ۱۴۶). در ژهر آمده بدن انسان «ترکیب همه بدنها و اشکال» است، زیرا نشان از نام مقدس^۶ دارد که چهار حرف آن سمبل چهار رُبع جهان هستند: شمال، جنوب، شرق و غرب، و میکائیل موکل بر جهت

۱- و در برخی از منابع میکائیل (Ginzberg, v5, pp71,72). همچنین در برخی از منابع یهودی این فرشته، فرشته مرگ (the angel of death) دانسته شده است.

۲- لفظ «روئیدن» انسان از زمین را مقایسه کنید با «وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا» (نوح: ۱۷).

۳- مقایسه کنید با تورات: Gen.3:19 و قرآن: «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نَعِيدُكُمْ» (طه: ۵۵) که البته در هیچ کدام از این دو متن این جزئیات افسانه آمیز نیامده است.

4 - Akra de- Agma.

۵- یعنی «یهوه».

شمال است (Simeon ben Jochai, p100). اما در جای دیگر فرشتگان حاکم بر جهات چهارگانه را این چنین تعیین می‌کند: میکائیل جنوب، جبرئیل شمال، رفائیل شرق و اوریل^۱ غرب (ibid., p183).

در برخی از متون دو ایده فوق با هم ترکیب شده‌اند. در ترگوم سودو جاناتان (Gen.2:7) آمده که خدا برای خلق آدم از مکان حرم مقدس^۲ و از چهار گوشه جهان خاک برداشت (Targum Pseudo-Jonathan, p22).

در کتاب **سالگشتها** نیز جای خلقت آدم و حوا سرزمین Elda^۳ دانسته شده است (Jubilees 3:32)، که احتمالاً تغییر شکل یافته‌ای از کلمه عدن است. زیرا در **تورات** آمده آدم پس از اخراج از عدن در همان جایی ساکن شد که در آن خلق شده بود (Gen.3:23). از طرفی از **تورات** چنین به نظر می‌آید که آدم پس از اخراج از باغ عدن در شرق عدن ساکن شد (Gen.3:24).^۴

متون اسلامی

در قرآن کریم، همانند **تورات**، به مکان آفرینش آدم تصریح نشده است. در قرآن تنها آمده است: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰). همان طور که مشاهده می‌شود واژه «الأرض» دارای لام تعریف است، همان طور که در واژه عبری אֶרֶץ نیز حرف تعریف عبری אֶ به کار رفته بود. معنی متبادر به ذهن از آیه قرآن این است که خداوند در همه زمین جانشینی قرار داد. اما به نظر می‌رسد بعضی از مفسران از لام تعریف نتیجه گرفته‌اند که این «زمین»، زمین مخصوصی بوده است، آنجا که آن را به «مکه» تفسیر کرده‌اند، چنان که خواهد آمد.

1 - Uriel.

2 - Sanctuary.

3 - Land of Elda.

۴- مقایسه کنید: Gen.4:16.

همچنین در قرآن آمده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» (تین: ۴). بیشتر مفسران «أَحْسَنَ تَقْوِيمٍ» را به معنای «آفرینش انسان به بهترین صورت» دانسته اند (به عنوان نمونه رک. طبری، جامع البیان، ج ۳۰، ص ۳۰۸). با این حال نباید این احتمال را نادیده گرفت که واژه «تَقْوِيمٍ» با واژه عبری *תְּקוּמָה* به معنای «جا و مکان» هم خانواده باشد. این احتمال را هیچ یک از مفسران ذکر نکرده اند، اما آیه بعد («ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ» (تین: ۵)) مؤید آن است. معنای آیه در این صورت چنین می شود: «به تحقیق انسان را در بهترین جایگاه آفریدیم»، که البته ممکن است منظور از «جایگاه» مفهوم معنوی آن باشد.

علاوه بر این، ممکن است آیه «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ» (آل عمران: ۹۶) با بحث ما مرتبط باشد. اما موارد فوق احتمالاتی بیش نیستند و هیچ تصریحی نیز در آنها صورت نگرفته است. از مطالعه متون اسلامی غیر قرآنی، معلوم می شود در این متون نیز مانند متون یهودی در مورد مکان خلق آدم دو ایده اساسی وجود دارد:

۱- خلق آدم در یک مکان مقدس

ابوهریره (بدون نقل از پیامبر (ص)) گفته است: «کعبه دو هزار سال پیش از زمین خلق شد... و وقتی خداوند خداست زمین را بیافریند، آن را از کعبه گستراند، و کعبه را در وسط زمین قرار داد». سپس به داستان برداشتن خاک آدم به توسط ملک الموت اشاره کرده آنگاه می گوید: «فرشته مرگ از همه روی زمین، پاکیزه و خبیث آن، [خاک] برگرفت، تا این که مُشتی [خاک] از جای کعبه نیز برداشت و آن را به نزد پروردگارش آورد» (سیوطی، ج ۱، صص ۴۶، ۴۷). در ادامه به ماجرای بخشیدن عمر به توسط آدم به داوود اشاره شده که نشان می دهد منشأ روایت یهودی است^۱. هر چند این هم آمده که

۱- چون داستان بخشیدن عمر به داوود عیناً در متون یهودی آمده است (رک. Ginzberg, v1, p61).

آدم محمّد (ص) را با نور ساطعی دید، یعنی عناصر اسلامی با عناصر یهودی مخلوط شده اند. نقل روایت از «ابوهریره» قابل تأمل است.

ایده وجود کعبه در وسط زمین با ایده وجود معبد اورشلیم در ناف یا مرکز زمین کاملاً یکسان است، فقط معبد اورشلیم به کعبه تبدیل شده. برداشتن خاک «از همه روی زمین» با برداشتن خاک «از چهار جهت دنیا» یکی است، و «مشتی خاک از جای کعبه» نیز با «به اندازه یک قاشق خاک از جای مذبح معبد» متناظر است.

نمونه دیگر: از پیامبر (ص) نقل شده که فرمود: «زمین از مگه گسترانده شد ... و مگه همان زمینی است که خداوند [در مورد آن] فرموده: "من بر زمین خلیفه ای قرار خواهم داد" (بقره: ۳۰)» (طبری، جامع البیان، ج ۱، ص ۲۸۷؛ قرطبی، ج ۱، ص ۲۶۳؛ ابن کثیر، ج ۱، ص ۷۳) روایت را مرسل و دارای ضعف در سند و تفسیر ارض به مکه را مدرج در روایت دانسته و معتقد است ارض اعم از مگه است؛ سیوطی، ج ۱، ص ۴۶؛ شوکانی، ج ۱، ص ۶۳).

۲- خلق آدم از خاک چهار گوشه دنیا

در روایتی درباره خلق آدم که از جابر جعفی از حضرت باقر (ع) نقل شده، پس از ذکر فراهم شدن گل آدم به دست خدا چنین آمده: «سپس خداوند به فرشتگان چهارگانه: شمال و جنوب و صبا^۱ و دبور^۲ فرمان داد که بر این گزیده از گل (السلالة من الطین) جولان دهند... فرشتگان بر آن جولان دادند، یعنی [فرشتگان موکل بر] شمال و جنوب و صبا و دبور، و در آن طبایع چهارگانه را جاری ساختند. باد (ریح) از طبایع چهارگانه بدن از ناحیه شمال [سرچشمه گرفته] است، و بلغم... از ناحیه صباست، و صفرا (المرة) از ناحیه دبور، و خون (دم) از ناحیه جنوب است». در انتهای روایت آمده:

۲- «صبا: بادی است که از جای طلوع خورشید در موقعی [از سال] که شب و روز با هم برابرند می‌وزد» (جوهری، صبی). پس منظور از صبا در روایت، جهت شرق است.

۳- «دبور: بادی است که [در جهت] مقابل صبا قرار دارد» (جوهری، دبر). پس (با توجه به معنای صبا) منظور از دبور در روایت، جهت غرب است.

«این [مطلب] را در کتاب امیرالمؤمنین علیه السلام یافته‌ایم» (قمی، ج ۱، ص ۴۰؛ صدوق، ج ۱، ص ۱۰۶؛ مجلسی، ج ۱۱، ص ۱۰۵، ج ۵۸، ص ۳۰۰). چنان که مشاهده می‌کنید این حدیث با آنچه از زُهر نقل شد شباهت بسیار دارد.^۱

همچنین روایاتی آمده که خدا خاک آدم را از همه زمین برداشت، یا از روی زمین به طور مخلوط برداشت و از یک جا برداشت، یا از پستی و بلندی زمین (همه جا) برداشت، که برخی از این روایات اینک ذکر می‌شود:

از ابوموسی اشعری از پیامبر (ص) نقل شده که فرمود: «خداوند عزّ و جَل آدم را از مُشتی [خاک] آفرید که از همه زمین برداشت، به همین خاطر بنی آدم بر اساس [کیفیت نقاط مختلف] زمین از کار درآمدند. در میان ایشان [افراد] سفید و سرخ و سیاه و بین این رنگها به وجود آمدند» (احمدبن حنبل، ج ۴، ص ۴۰۰؛ ابوداود، ج ۲، ص ۴۱۰؛ ترمذی، ج ۴، ص ۲۷۳؛ طبری، جامع البیان، ج ۱، ص ۳۰۸؛ تاریخ، ج ۱، ص ۶۲؛ قرطبی، ج ۱، ص ۲۸۱؛ ابن کثیر، ج ۳، ص ۲۵۱؛ سیوطی، ج ۱، ص ۴۶).

- از ابن عباس و ابن مسعود و گروهی از صحابه (بدون نقل از پیامبر (ص)) نقل شده که درباره خلق آدم گفته‌اند: «خداوند فرشته مرگ را فرستاد ... [فرشته مرگ] از روی زمین به طور مخلوط [خاک] برداشت و از یک جای واحد برداشت، و از خاکهایی سرخ و سفید و سیاه برداشت. به خاطر همین بنی آدم مختلف از کار درآمدند» (طبری، جامع البیان، ج ۱، ص ۲۹۳؛ سیوطی، ج ۱، ص ۴۷).

- نقل شده که ابن سلام^۲ از پیامبر (ص) پرسید: «آدم از همه گلهای [زمین] خلق شد یا از یک گل؟» فرمود: «از همه گلهایا. اگر از یک گل خلق شده بود مردم نمی‌توانستند همدیگر را بشناسند و [همه] به یک شکل واحد بودند»، و در جواب سؤال

۱- برای آگاهی در مورد فرشتگان جهات چهارگانه و ارتباط فرشتگان با جهات مکانی رک. سیوطی، ج ۶، ص ۲۷۵، که در تفسیر آیه «فَإِنَّهُ يَسْأَلُكُم مِّن بَيْن يَدَيْهِمْ وَ مِّن خَلْفِهِمْ رَصَدًا» (جَن: ۲۷) «رصد» را به «ملائكة اربعة» تفسیر کرده است؛ مجلسی، ج ۵۶، ص ۲۰۱. همچنین مقایسه کنید با «و الْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا» (حَاقَةَ: ۱۷).

۲- در برخی از کتابها «یزید بن سلام» و در برخی «عبدالله بن سلام» به عنوان فرستاده یهودیان، که باید همین مورد اخیر درست باشد.

او: «آیا آنها در دنیا مثلی هم دارند؟» فرمود: «در خاک [رنگهای] سفید و سبز و ... و سرخ و آبی هست، و خاکهای، شیرین و شور و سفت و نرم هست ... به خاطر همین مردم این گونه از کار درآمدند که در آنها [افراد] نرم و خشن هست، و در آنها سفید و زرد و سرخ و ... و سیاه - بر اساس رنگهای خاک - هست» (صدوق، ج ۲، ص ۴۷۱؛ مجلسی، ج ۱۱، ص ۱۰۱، ج ۵۷، ص ۲۴۵).

- و نیز نقل شده یهودی‌ای به نزد علی (ع) آمد و در مورد نام آدم پرسید. علی (ع) در جواب خود فرمود: «خداوند تبارک و تعالی جبرئیل - علیه السلام - را فرستاده به او فرمان داد که از سطح زمین (أدیم الأرض) چهار گل برای او بیاورد: گلی سفید و گلی سرخ و گلی قهوه‌ای و گلی سیاه، و این گله‌ها از پستی و بلندی‌های زمین برداشته شدند» (صدوق، ج ۱، ص ۲؛ مجلسی، ج ۱۱، ص ۱۰۲).

- از علی (ع) نقل شده: «خداوند آدم علیه السلام را از سطح زمین (أدیم الأرض) آفرید. قسمتی از این [سطح زمین] زمینهای نمکدار بودند و [قسمتی] شور و [قسمتی] پاکیزه. و [همین طور] از ذریه او صالح و بدکار وجود دارند» (صدوق، ج ۱، ص ۸۳؛ راوندی، ص ۴۴؛ مجلسی، ج ۱۱، ص ۱۱۲). چنان که می‌بینیم در این روایت نیکی و بدی انسانها به شور و شیرین بودن خاک ارتباط داده شده، که به ایده «خلق اندامهای شریف از سرزمینهای شریف و خلق اندامهای پست از سرزمینهای پست» در متون یهودی شباهت دارد.

- همچنین از علی (ع) نقل شده که در توصیف آفرینش آدم فرمود: «سپس خدای سبحان از پستی و بلندی زمین و شیرین و شور آن، خاکی برداشت که آن را با آب خمیر کرد...» (شریف رضی، ج ۱، ص ۲۰).

- از ابی عبدالله قزوینی نقل شده که گفته است: «از ابی جعفر محمدبن علی - علیه السلام - پرسیدم: "به چه دلیل انسان در یک جا متولد می‌شود و در جای دیگر می‌میرد؟" فرمود: "خداوند تبارک و تعالی وقتی مخلوقاتش را آفرید، آنها را از سطح

زمین آفرید. بنابراین هر انسانی به تربت خودش باز می‌گردد" (صدوق، ج ۱، ص ۳۰۸؛ مجلسی، ج ۵۷، ص ۳۵۸). همان طور که مشاهده می‌شود مضمون این روایت کاملاً شبیه دلیلی است که در روایت یهودی برای برداشتن خاک آدم از چهارگوشه جهان ذکر شده بود. اما الفاظ روایت اندکی مشوش است و بدون دانستن روایت یهودی منظور از آن به درستی مشخص نمی‌شود. ذکر واژه «أدیم» که با واژه عبری **אדמה** هم خانواده است، می‌رساند که روایت با داستان یهودی در ارتباط است. در این روایت گفته نشده که ممکن است زمین کسی را برای دفن نپذیرد، اما در برخی دیگر از روایات اسلامی ذکر شده که زمین از پذیرفتن برخی از گناهکاران خودداری کرده است^۱.

نتیجه گیری

از مقایسه متون یهودی و اسلامی نتیجه می‌شود کتابهای آسمانی هر دو دین در مورد مکان آفرینش آدم مجمل هستند. سایر متون در دو دین در این مورد شباهت زیادی به هم دارند، تا آنجا که ایده های اصلی در هر دو یکی است. به اعتقاد نگارنده، باید مطالب مشترک (میان یهودیت و اسلام) را تفکیک کرد: پاره ای از آنها میراث پیامبران و حقایق و حیانی هستند. حتی **قرآن کریم** نیز در موارد بسیاری این گونه شباهت را با **تورات** و سایر متون کهن دارد. خلق آدم از خاکهای گوناگون ممکن است از این نوع باشد، که ظاهراً به زبان تمثیل بیان شده است و وحدت بنی آدم و خلق ایشان از یک گوهر را (علی رغم اختلاف رنگهای آنان) نشان می‌دهد. و پاره ای از آنها (مثل برداشتن خاک از یک مکان مقدس خاص) اسطوره به نظر می‌رسند، و در هر جامعه ای تحت تأثیر فرهنگ خاص آن جامعه قرار دارند. در یهودیت این «مکان خاص» اورشلیم است، و در اسلام مکه. تبدیل اورشلیم به مکه نمونه ای است از

۱- رک. بیهقی، صص ۵۷، ۵۶؛ قرطبی، ج ۵، ص ۳۳۶؛ سیوطی، ج ۲، ص ۲۰۱.

«انتقال یک داستان از جامعه ای به جامعه دیگر با حفظ قالب اصلی آن، همراه با تغییر عناصر خاصی که صبغه فرهنگی خاص هر جامعه را نشان می دهند». این قاعده ای است که با مقایسه داستانهای پیامبران در متون یهودی و اسلامی، می توان نمونه های زیاد دیگری را نیز از آن مشاهده کرد. بنا بر تعریف، باید روایات اسطوره ای را که از یهودیت به اسلام انتقال یافته اند «اسرائیلیات» تلقی کرد. یکی از فواید مطالعات تحقیقی، شناسایی این گونه روایات است. نقل روایت از راویانی چون «ابی هریره» نیز قرینه ای بر اسرائیلی دانستن چنین روایاتی است.

یکی دیگر از فواید مطالعات تطبیقی، رفع ابهامات متون جدیدتر است (وحتی در مواردی رفع ابهامات متون قدیمتر که در طول زمان به طور سالم به ما نرسیده اند). روایت ابی عبد الله قزوینی نمونه مناسبی از این رفع ابهام است. رؤیت محمد (ص) به توسط آدم، نمونه ای از عناصر منحصر به اسلام و نشان دهنده تصرف مسلمانان در داستانهای قدیم یهود است. احتمالاً برای این مورد نمی توان مشابهی در متون قدیم یهودی یافت.

منابع

قرآن کریم.

- آترمن، الن، *باورها و آیینهای یهودی*، ترجمه رضا فرزین، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵ ش.
- ابن کثیر، أبوالفداء إسماعیل الدمشقی، *تفسیر القرآن العظیم*، با مقدمه دکتر یوسف عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ ق.
- أبوداود سلیمان بن الأشعث السجستانی، *سنن أبی داود*، تحقیق سعید محمد اللحام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ ق.
- احمدبن حنبل، *مسند*، بیروت، دار صادر، بی تا.

اشتاين سالتز، آدين، *سیری در تلمود*، ترجمه باقر طالبی دارابی، قم، مركز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ١٣٨٣ ش.

البیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین، *إثبات عذاب القبر*، تحقیق دکتر شرف محمود القضاة، عمان، اردن، دارالفرقان، ١٤٠٥ ق.

التّرمذی، ابو عیسیٰ محمد بن عیسیٰ، *سنن التّرمذی*، تحقیق عبدالوہاب عبداللطیف، بیروت، دارالفکر، ١٤٠٣ ق.

تورات: رک. *کتاب مقدس*.

الجوهري، اسماعيل بن حماد، *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية*، تحقیق احمد عبدالغفور عطّار، بیروت، دارالعلم للملایین، ١٤٠٧ ق.

الراوندي، سعيد بن هبة الله، *قصص الأنبياء*، تحقیق میرزا غلام رضا عرفانیان، قم، الهادی، ١٤١٨ ق.

السيوطي، جلال الدين عبدالرحمن، *الدر المنثور في التفسير بالمأثور*، بیروت، دارالفکر، بی تا.

الشّريف الرّضی (محمد بن الحسين الموسوی)، *نهج البلاغة*، تحقیق شیخ محمد عبده، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.

الشّوكاني، محمد بن علی، *فتح القدير*، عالم الکتب، بی تا.

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابويه القمي، *علل الشرائع*، نجف، المطبعة الحیدریة، ١٣٨٦ ق.

الطّبري، ابوجعفر محمد بن جریر، *تاريخ الأمم و الملوك*، بیروت، مؤسسة الأعلمی، بی تا.

_____، *جامع البيان عن تأويل آي القرآن*، با مقدمه شیخ خلیل المیس،

تحقیق صدقی جمیل العطّار، بیروت، دارالفکر، ١٤١٥ ق.

القرطبي، ابو عبدالله محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن (تفسير القرطبي)*، بیروت،

- داراحیاء التّراث العربی، ۱۴۰۵ق.
- القّمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر القّمی*، تحقیق سید طیب موسوی جزائری، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ق.
- کتاب مقدّس: عهد عتیق و عهد جدید*، ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گلن و هنری مرتن، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰ش.
- کلاپرمن، ژیلبرت و لیبی، *تاریخ قوم یهود*، ترجمه مسعود همّتی، تهران، انجمن فرهنگی اوتصرهتورا، ۱۳۴۷ش.
- کوهن شریاک، دن، *فلسفه یهودی در قرون وسطی*، ترجمه علی رضا نقد علی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۳ش.
- المجلسی، محمّد باقر بن محمدتقی، *بحار الأنوار*، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- هاکس، جیمز، *قاموس کتاب مقدّس*، تهران، اساطیر، ۱۳۸۳ش.
- Alshich, R. Moshe, *Midrash of Rabbi Moshe Alshich*, v1, tr. Eliyahu Munk, New York, Lambda Publishers Inc., 2000.
- The Babylonian Talmud: translated into English with notes, glossary and indices*, ed. Isidore Epstein, London, Soncino Press, 1960
- Charlesworth, J. H. (ed.), *The Old Testament Pseudepigrapha*, Garden city, Doubleday, 1985.
- "Genesis Rabbah", part 1, tr. Jacob Neusner, in Neusner, Jacob and others (ed.), *The Components of the Rabbinic Documents: from the whole to the parts*, 9.
- Ginzberg, Louis, *The Legends of the Jews*, tr. Henrietta Szold, Philadelphia, The Jewish Publication Society of America, 1909.
- Halevi, Shira, *The Life Story of Adam and Havah: a new targum of Genesis 1:26-5:5*, Northvale, New Jersey, U.S.A., Jason Aronson Inc., 1997.
- ibn Ezra, R. Abraham, *Rabbi Abraham ibn Ezra's Commentary on the Creation*, tr.

Michael Linetsky, Northvale, New Jersey, U.S.A., Jason Aronson, 1998.

"Jubilees", tr. O. Wintermute, in Charlesworth, J. H. (ed.), *The Old Testament Pseudepigrapha*, v2.

Maher: see *Targum Pseudo-Jonathan*.

Neusner, Jacob and others (ed.), *The Components of the Rabbinic Documents: from the whole to the parts*, South Florida Academic Commentary Series, 92, Atlanta, Georgia, U.S.A., Scholars Press, 1997.

Pentateuch with Targum Onkelos, Haphtaroth and Rashi's Commentary, v1, tr. M. Rosenbaum and A. M. Silberman, Jerusalem, Routledge & Kegan Paul Ltd., 5733 (Jewish date).

- Philo of Alexandria, *On the Creation*, in www.earlyjewishwritings.com

Rahsi, "Rashi's Commentary", in *Pentateuch with Targum Onkelos, Haphtaroth and Rashi's Commentary*.

Saadia ben Joseph, *Rabbi Saadia Gaon's Commentary on the Book of Creation*, tr. Michael Linetsky, Northvale, New Jersey, U.S.A., Jason Aronson Inc., 2002.

_____, *Saadia's Commentary on Genesis*, ed. Moshe Zucker, New York, The Jewish Theological Seminary of America, 1984.

Simeon ben Jochai, *The Sepher Ha-Zohar: or the book of light: Bereshith to Lekh Lekha*, tr. Nurho de Manhar, San diego, Wisard's Bookshelf, 1980.

Targum Pseudo-Jonathan: Genesis, The Aramic Bible, The Targums, 1B, tr. Michael Maher, Collegeville, Minnesota, U.S.A., Liturgical Press, 1992.

Yaakov ibn Chaviv, *Ein Yaakov: the ethical and inspirational teachings of the Talmud*, tr. Avraham Yaakov Finkel, Northvale, New Jersey, U.S.A., Jason Aronson Inc., 1999.